

انگاره آفرینش گیاه از گاو یکتاآفریده در بندهشن و پیوند آن با ایزدبانو

لیلا عسگری (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: بیشتر شواهد اسطوره‌ای فرهنگ هندواروپایی نشانگر ایماژ یا تصویری از آفرینش جهان از یک قربانی انسان یا حیوان برای آفرینش کل جهان از اجزا و اندام‌های اوست. یکی از این نمونه‌ها قربانی کیومرث و گاو یکتاآفریده در بندهشن است. این مقاله می‌کوشد ایماژ زایش گیاه از اندام‌های گاو یکتاآفریده را در پیوند با دیگر نمونه‌های آفرینش از ایزد یا ایزدبانویی دوجنسی توضیح دهد و به این پرسش پاسخ دهد، که آیا این دو الگو در اصل به هم وابسته‌اند؟ از این رو، پس از ذکر شواهدی از هردو نمونه می‌کوشیم این ارتباط را در روایت‌های یادشده تحلیل کنیم و نشان دهیم نقش گاو در اسطوره‌های آفرینش هندواروپایی با نقش ایزدبانو در آفرینش جهان، انسان، زمین و گیاه در دیگر الگوها می‌تواند هم‌نشین هم قرار گیرد.

کلیدواژه: آفرینش، بندهشن، گاو یکتاآفریده، ایزدبانو، گیاه

۱. مقدمه

در دین زردشتی بیشتر روایت‌های اسطوره‌ای درباره آدمیان است و کمتر به دیگر پدیده‌ها از جمله جانوران پرداخته شده است. اما یکی از روایت‌های مهم اسطوره آفرینش در فرهنگ

ایرانی، در کنار آفرینش از اجزای بدن ایزد یا انسان اولیه، حضور سرنمونه گاو آغازین است. ایده انطباق جهان صغیر و کبیر در روایت ایرانی به تمایز آفرینش جانوران و گیاهان از بدن گاو و نحوه آفرینش جفت نخستین، مشی و مشیانه، از بدن کیومرث دست می‌گذارد که به این شکل آشکار در دیگر روایت‌های فرهنگ هندواروپایی دیده نمی‌شود.

در داستان اسطوره‌ای بندهشن در نبرد آفریدگان گیتی به مقابله اهریمن، در سه هزاره سوم که با جنبش و حرکت آغاز می‌شود، در دوره آمیزش تاریکی و روشنایی اهریمن به آفرینش اهوره‌مزدا می‌تازد. تصویر بندهشن از تجاوز اهریمن بسیار تکان‌دهنده است. او کناره آسمان را پاره می‌کند وارد دنیای مادی می‌شود آب‌ها را آلوده، گیاهان را مسموم و موجب مرگ گاو و انسان آغازین می‌شود. باآنکه نخستین مرد و نخستین گاو از اهریمن شکست می‌خورند، اما در حال مرگ تخم‌های خود را بیرون می‌ریزند؛ از تخم‌های کیومرث نخستین جفت انسان و از تخم گاو که به روشنی ماه پالوده شده گیاهان و چارپایان پدید می‌آیند. تصویر بندهشن از قربانی شدن گاو یکتاآفریده این‌گونه توصیف شده است:

پنجم نبرد را گاو یکتاآفریده کرد. چون درگذشت به سبب سرشت گیاهی، از اندام‌های گاو پنجاه و پنج نوع غله و دوازده نوع گیاه درمانی از زمین رُست. روشنی و زوری که در تخمه گاو بود به ماه سپرده شد، آن تخمه به روشنی ماه پالوده شد، به همه گونه‌ای آراسته شد، جان در (او) کرده شد؛ و از آنجا جفتی گاو، یکی نر و یکی ماده (بر زمین آورده شد). سپس، بر زمین، از هر نوعی دو تا، یعنی دویست و هشتاد و دو نوع، فراز پیدا شدند، به اندازه دو فرسنگ که در دین هیجده هاسر گوید (بهار ۱۳۸۵: ۶۵-۶۶).

مؤلفه‌های نمادین این داستان اسطوره‌ای: آفرینش، قربانی شدن کیومرث، نخستین انسان، و پدید آمدن مشی و مشیانه، نخستین زن و مرد از نطفه او، قربانی شدن گاو یکتاآفریده، و به پیدایی درآمدن گیاهان و جانوران از اندام‌های او، اهریمن در نقش قربانی‌کننده است.

اندیشه جهان روایت بندهشن در اصل بازنمود انسان بزرگی است، و درواقع انسان جهان کوچکی در این ایده است (تصور انطباق جهان صغیر و کبیر) که در الگوی قربانی انسان نخستین و گاو نخستین ارائه شده است. این الگو در ریگ‌ودا (RV 10, 90, 1-16) در

سرود پوروشه^۱ فقط در شکل قربانی انسان ارائه می‌شود (Hasting 1908-1927: 517). همین الگو در اسطوره‌های اسکاندیناوی از طریق غول آغازین یمیر^۲ توضیح داده شده است. یمیر و گاو اودملا^۳ از آب شدن یخ کوه به وجود می‌آیند (Lindow 2001: 63). گاو یمیر را شیر می‌دهد و از لیسیدن صخره نخستین انسان، پدر ایزدان، بوری^۴ به وجود می‌آید (Ibid). این روایت به سبب حضور گاو، بسیار به اسطوره آفرینش ایرانی نزدیک‌تر از پوروشه در متن ادا^۵ است. در اساطیر اسکاندیناوی آفرینش از اندام‌های غول آغازین انجام می‌گیرد؛ جهان محصول اجزا و اندام‌های جانور عظیم‌الجثه‌ای به نام یمیر است: از گوشت یمیر زمین، و از خونش دریا‌های خروشان و از استخوان‌هایش کوه‌ها و از مویش درختان و از جمجمه‌اش گنبد آسمان ساخته شده است، گاوی به نام اودملا نیز که یمیر غول نخستین را شیر می‌دهد، به نخستین انسان و نیای ایزدان، بوری، زندگی می‌بخشد. بوری از صخره‌هایی که اودملا می‌لیسیده به وجود می‌آید. این روایت نیز به‌رغم آن که مانند روایت ایرانی به روشنی از نقش آفرینش گاو نخستین سخن نمی‌گوید اما بنیادهای مشابهی با روایت ایرانی در حضور جفت انسان - گاو آغازین در خلق جهان دارد.

لینکلن از محققانی است که به این موضوع پرداخته است. او با تطبیق روایت‌های گوناگون از داستان آفرینش، اسطوره آغازینی را که این روایت‌ها از آن منشعب شده بازسازی کرده است و به‌نظر او منشأ این اسطوره‌ها هندواروپایی پیشین است. در آغاز دو مرد و یک گاو نر بودند. این مردها دو برادر دو قلو بودند، مانو^۶ و یمو^۷. مانو نخستین پرستار، و یمو نخستین شاه بود. مانو برادرش را قربانی، و اندام‌های او را قطعه‌قطعه کرد و با این قطعه‌ها جهان را شکل داد. سپس او گاو نر را قربانی کرد و با قطعه‌های اندام او گیاهان خوراکی و حیوانات اهلی را آفرید. یمو نخستین انسان فانی و نخستین شاه مردگان شد. او قلمرواش را برای همه کسانی که از او پیروی کرده بودند گشود (Lincoln 1991: 7). لینکلن این اسطوره را اسطوره آغازین اقوام هندواروپایی پیشین می‌شمارد، که با گسترش و مهاجرت این اقوام

1. Puruṣa

۲. Ymir این اسم را با هندی Yima و ایرانی Yama مربوط دانسته‌اند.

3. Auðumla

4. Buri

5. Edda

6. Manu

7. Yemo

روایت‌های گوناگونی از آن پیدا شده و در باور و دین‌های آنها رخنه کرده است. اما ساختار و بن‌مایه‌های تغییرناپذیر آنها در همه روایت‌های کیهان‌آفرینی هندواروپایی، مانند آفرینش مجدد حیات از اندام‌های قربانی شده موجود آغازین همسان است.

لینکلن با بازسازی داستان آفرینش، در واقع اندیشه مسلط بر نظام ایدئولوژی اقوام بسیار کهن هندواروپایی را به تصویر کشیده، که روایتی از آن در بندهشن حفظ شده است. او سه داستان آفرینش در ریگ‌ودا، ادا و بندهشن را کاملاً مشابه می‌داند و در نتیجه کیومرث در ایران و پوروشه در هند و یمیر در اسکاندیناوی را با یکدیگر مرتبط می‌داند. او با تطبیق معنایی و آوایی هر سه نام در نظر می‌گیرد که باید بر اساس تطبیق اسطوره‌ای نیز هر سه از یک شخصیت پیش‌هندواروپایی مشتق و شکل گرفته باشند، و تفاوت‌های آنها نیز به دلیل تحولات و دگرگونی‌های قطعی فرهنگی است. در این بازسازی از دو برادر یکی پرستار و دیگری شاه نام برده که در بندهشن پرستار را با اهریمن و نخستین شاه را با کیومرث (باتوجه به یشت ۱۹، کیومرث با جم همسان است) همانند می‌داند. او نخستین گاو را گوشورون و نخستین قربانی انسان و گاو نر را با متن بندهشن مطابقت داده است. (Lincoln 1975: 140-141).

لینکلن حضور گاو در اسطوره‌های هندوایرانی و اروپایی را با رویکرد اهمیت گاو در زندگی اقوام هندوآریایی و اروپایی بررسی و با وجود همانندی‌های بسیار آنها را از یکدیگر متمایز کرده است. در روایت‌های هندوایرانی مانند بندهشن از اندام گاو نر دیگر حیوانات و گیاهان خوراکی آفریده می‌شود. اما در روایت‌های اروپایی، نقش گاو ماده پررنگ است که صرفاً تغذیه و مراقبت از دو برادر دو قلو را در عمل آفرینش عهده‌دار است. به نظر او اروپاییان زودتر در مرحله کشاورزی قرار گرفته‌اند و هندوایرانیان بیشتر دامدار بوده‌اند. از این رو، برای اروپاییان گاو منبع ثروت و از اهمیت حیاتی برخوردار بوده است. اما برای هندوایرانیان گاو جایگاه بسیار باارزش‌تری دارد، گاو نر عنصری ضروری در نظام اجتماعی به‌شمار می‌رفته، جامعه‌ای که صرفاً از مردم تشکیل نشده، بلکه مجموعه‌ای واحد از مردم و گاو نر است (Ibid: 143).

به نظر او همانند نمونه اسطوره آغازین آفرینش در اقوام هندواروپایی پیشین، در جوامع

کشاورزی شیر گاو برای تغذیه حائز اهمیت است، که در اسطوره‌ی یمیر اسکاندیناوی به آن اشاره شده است. درحالی‌که در جوامع دامپروری ارزش گاو غیر از گوشت و شیر، و چرم است؛ گاو نر منبع همه چیزهای خوب است (Ibid). ازاین‌رو، در روایت هند و ایرانی گاو برابر با انسان ظاهر می‌شود و منبع حیاتی برای کل آفرینش شمرده شده است.

ما در این پژوهش می‌کوشیم به ایماژ اسطوره‌ای آفرینش گیاه از اندام گاو در پیوند با دیگر نمونه‌هایی که شاید کمتر به آنها توجه شده است بپردازیم. روشن است که اهمیت و نقش گاو در اسطوره‌ها و آثار و اشیا باستانی در اکثر فرهنگ‌ها دیده می‌شود و نمونه‌های گسترده‌ای از تصاویر و آثار پیشاتاریخی بدان گواهی داده‌اند (Golan 2003: 126). بدین ترتیب، همواره پیش‌فرض بر این بوده، که خاستگاه پرستش گاو، برآمده از جوامع کشاورزی نگاه‌دارنده چارپایان بوده، اما پژوهش‌هایی با رویکرد اسطوره‌شناسی و دین‌شناسی نشان می‌دهد، که تجسم یک ویژگی الهی در پس گاو نر در بسیاری از داستان‌های حماسی و اسطوره‌ای وجود داشته و پرستش گاو نر به دوره‌های بسیار کهن‌تر برمی‌گردد. چنان‌که سر و شاخ‌های گاو نر مضمون اصلی و مهم فرهنگ نوسنگی چتل‌هویک^۱ بوده، دوره‌ای که گاو نر هنوز حیوان اهلی نبوده است. درواقع گاو نر از فرهنگ پارینه‌سنگی^۲ و میان‌سنگی^۳، هنگامی که هنوز کشاورزی و دامداری شکل نگرفته بوده، پرستیده می‌شده است. تصور گاو نر حتی برای سرخپوستان امریکایی هم مقدس بوده است و این اهمیت به دلیل کارکرد گاو در کشاورزی و شخم‌زنی برای آنان نبوده است (Ibid: 126)، یا در بیابان‌های عربستان همواره نگهداری از گوسفند و بز رایج بوده است، اما در کوه سینا با تجلی نمادین پرستش گاو نر مواجه هستیم که امری معمول نیست (Waterman 1915: 231).

ازاین‌رو، در این مقاله به شواهدی اشاره می‌کنیم که ایماژ پیوند گیاه و گاو و رویش گیاه از بدن گاو را در تصویرها و آثار به‌جامانده از فرهنگ‌های، پیشاهندواروپایی و در داستان‌های اسطوره‌ای - دینی نشان دهد. با چنین منظری کوشش بر آن است تا به بنیادها و خاستگاه‌های اندیشه نمادین آفرینش گیاه از اندام‌های گاو نر در متن بندهش، نزدیک

1. Çatalhöyük

2. paleolithic

3. mesolithic

شویم، و معنای نمادینی را که چنین نقش و جایگاه نمادینی برای گاو در کنار انسان اولیه و یا شاه نخستین در فرهنگ ایرانی قرار داده، دریابیم.

۲. پیوند نمادین گاو با ایزد و ایزدبانو

گاو نر حیوانی است که تصور و تجسم او در هیئت ایزد به قدری کهن و گسترده است، که تقریباً هر ایزدی در دوره باستان متقدم یا متأخر تجسمی از گاو نر بوده است. در ریگ‌ودا شیوا به هیئت گاو سفید درمی‌آید و نمونه‌های بسیار دیگری که گاو نر در تفکر نمادین به‌عنوان خدا ظاهر می‌شده است (Walker 2007: 126).

در اسطوره‌های یونانی ایزد دیونیسوس^۱ در هیئت گاو نر بوده است؛ یکی از کهن‌ترین خدایان زاگرس^۲ نیز گاو - خدای کرت بوده است، که گونه دیگر آن مینوتور^۳ است. خدا یک گاو نر بر روی زمین بوده است (Ibid). ازیریس^۴ ایزد مصر باستان در هیئت گاو نر به‌عنوان آپیس ازیریس پرستش می‌شده است. ایزد ارفیک دیونیسوس ایزد باروری با گاو مربوط است یا ژئوس به‌صورت گاو نر سفید ائوروپه را دنبال می‌کند و می‌فریبد (Witzel 2012: 201). در اوستا نیز gəuš-urvan به‌معنی «روان گاو»، ایزد حامی جهان حیوانی و در اوستای متأخر نگهبان گله‌ها و رمه‌هاست (Bartholomae, 1961: 1538).

در کتاب مقدس خاستگاه لقب El، که خدا ترجمه می‌شود گاو - خدای فینیقی است، که پدر انسان نامیده شده است. او همانند خدای برتر سامی‌ها در معابد در کنار خدایان بومی پرستیده می‌شده است، یا یکی از لقب‌های بعل، گاو نر بوده است. مسیح در کتاب خونخ گاو سپید معرفی شده است (Walker 2007: 126). در پس پرستش یهوه صورتی از گاو نر موجود است (Waterman 1915: 229). بدین‌سان در بسیاری از فرهنگ‌های کهن گاو مقامی بس ارزشمند داشته و در جهان‌بینی اسطوره‌ای از اصلی‌ترین و مهم‌ترین حیواناتی است که تجلی‌خدايي دارد.

اما یکی از مهم‌ترین جنبه‌های گاو باروری است که او را به ایزدبانوی بزرگ و همسانی با

1. Dionysus

2. Zagreus

3. Minotaur

4. Osiris

او نزدیک می‌سازد. در ذهنیت اقوام کهن ایزدبانوی بزرگ، نماد حیات بخشی به کل طبیعت است و نه فقط انسان. اهمیت گاو نر و شاخ‌هایش به‌عنوان نماد آفرینش و نیروی حیات ایزدبانوی بزرگ در فرهنگ دوران نوسنگی در اروپای باستان و چتل‌هویک هم دیده می‌شود. در چتل‌هویک ایزدبانو به گاو به‌عنوان فرزندش حیات می‌بخشد. این تصور در سرتاسر خاور نزدیک هم وجود داشته، و معنای آن نیروی حیات دوباره بر روی زمین است.

بازتاب این نظام فکری در آثار دوره‌های بسیار کهن نشان می‌دهد تصور ایزدبانوی بزرگ که پیش از ایزدان مذکر وجود داشته در هر تصویری از دوره‌های فرهنگی قابل بازیابی است. زمین، گیاه و گاو نر هم از تجلی‌های ایزدبانوی بزرگ است (Gimbutas 1993: 40). ایزدبانوی بزرگ در جهان اسطوره صورت‌های گوناگونی دارد. او مادر زمین یا ایزدبانوی زمین است. او ایزد باروری و حیات بخش است. خوراک می‌دهد و دوباره آنها را به هنگام مرگ به خود بازمی‌گرداند. حتی گاه آفرینش از بدن تکه‌تکه شده خود او به‌عنوان قربانی شکل می‌گیرد (Leeming 1991: 422). بررسی مواد باستان‌شناختی نشان می‌دهد که ایزدبانوی بزرگ از مرگ و از بدن گاو نر قربانی پدیدار می‌شود (Gimbutas 1982: 236).

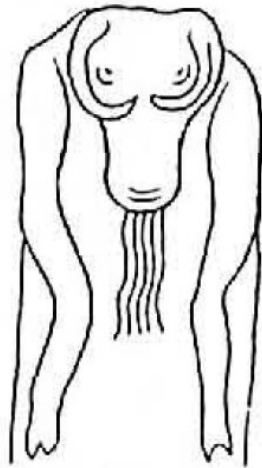
نزدیک به یک‌سوم نقاشی‌های موجود در غارها به گاو نر اختصاص دارد. درحالی‌که حیوانی مانند گوزن که ماموت‌ها مدام شکار می‌کردند و استخوان‌های آن به وفور یافت شده به‌ندرت در غارها تصویر شده‌اند. پرسش اساسی در این بازنمایی‌ها بیش از هرچیز معطوف به این است که چرا جانورانی مانند گاو یا اسب بسیار بیشتر از دیگر جانوران تصویر شده‌اند. پاسخ به چنین پرسش‌هایی در گرو درک و دریافت نظریه‌های نماد و ایماژ اسطوره‌ای در سرآغازهای فرهنگی است. در این نظریه‌ها شکل‌گیری نماد را بیش از آنکه به‌کارکرد و اهمیت موضوع تقلیل دهند، به شکل‌گیری نماد و ایماژ در خلاقیت ذهن انسان در پیوند با نشانه‌ای عینی به‌طور ناگهانی و استمرار آن معطوف می‌کنند. بنابراین، گاو به‌جز اهمیت آن در زندگی انسان، چون برخی دیگر از جانوران، بهترین موضوع یا امر عینی در پیوند با حالات روحی و ذهنیت خلاق انسان صورت‌نمادین یافته است. گاو نر نماد نیرو و باروری بوده است، شاخ‌های گاو میش و گاو همانند هلال ماه نماد نیروی بازایی و حیات

زندگی تصور می‌شده است، که بعدها جنبهٔ زایش زنانگی آن کمرنگ و نرینگی آن بیشتر اهمیت می‌یابد، همان‌گونه که گاو و خدا مذکر شده‌اند. بوتاس این احتمال را داده که در عصر برنز اسطوره‌ای که در آن گاو نر از طریق ماه به مرگ و حیات دوره‌ای مستمر با قدرت زندگی مربوط بوده، خاستگاهش به ۱۵۰۰۰ سال قبل‌تر به ایزدبانوی لاسل^۱ که شاخ گاو میش را در دست‌هایش نگاه داشته برسد (Ibid: 30).

۳. گاو نر نماد زمین و ایزد زمین

ایزدبانوی زمین را به‌طور کلی منبع باروری و حاصلخیزی زمین دانسته‌اند که با باروری و حاصلخیزی ماه نیز مربوط می‌شود، مضمونی که در بندهشن نیز تکرار شده است، و یکی از صورت‌های نمادین گاو همانندی او با ایزدبانوی زمین است. شواهد باستان‌شناختی پیش‌هندواروپایی نشان می‌دهند گاو تجسمی از ایزد نخستین زمین نیز دانسته شده است (Golan 2003: 67). یکی از مضمون‌های مشترک حضور گاو نر در اسطوره‌ها و آثار پیشاتاریخی نشان‌دهندهٔ آن است که او مظهر و نمادی از زمین است (Ibid 92, 142).

از دیگر شواهدی که ارتباط گاو با زمین را نشان می‌دهد، تصویری است که از دهان گاو نر آب به بیرون می‌ریزد. در این تصویر گاو را نمادی از زمین دانسته‌اند که چشمهٔ آب‌ها از درون آن بیرون می‌آید (تصویر شمارهٔ ۱). گلن این تصویر را با گاو یکتاآفریده در اسطورهٔ آفرینش بندهشن تطبیق داده است، به‌نظر او گاو یکتاآفریده که از بدنش گیاهان مفید و جانوران اهلی پدیدار می‌شود نمونهٔ روشن دیگری است، که گاو در آن نماد زمین است. نمونه‌های دیگری از فرهنگ‌های مختلف نیز نقش گاو را در مقام ایزدبانوی زمین تأیید می‌کند، مانند تصویری که نشان می‌دهد، یونانی‌ها جمجمهٔ گاو نر را با گل می‌آراستند و آن را نماد حاصلخیزی زمین می‌پنداشتند (Ibid: 128).



تصویر شماره ۱: ارمنستان آغاز هزاره دوم پیش از میلاد

بازمانده این پندارهای نمادین در متون کهن نیز دیده می‌شود. در ریگ‌ودا به گاو نری اشاره شده که تخم را درون گیاه قرار می‌دهد. در سنسکریت نام *pr thivī* به معنی «زمین» است و در عین حال نام ایزدبانویی در هندوئیسم که نماد او گاو نر و ماده است (Stone 1976: 143). در اوستای متأخر نیز پیوند گاو نر، گیاه و ایزد زمین در نام گئوسپنته دیده می‌شود، که در ایرانی نو و فارسی میانه به معنای «چارپا» تحول یافته است. سپنته با نام ایرانی میانه گیاه «سپند» یا «اسپند» که برای دور کردن چشم‌زخم به کار می‌رود مربوط است. در ضمن به شکل صفت برای آرمیتی (سپنتا آرمیتی) ایزد نگاهبان زمین به کار رفته که صورتی بسیار کهن است (نیبرگ ۱۳۸۲: ۹۹). مطالعه نقش‌ها یا مجسمه‌های بازمانده از تصورات و ذهنیت اقوام ماقبل هندواروپایی نشان می‌دهند که ایزد زمین و ایزد گیاهان می‌توانند با یک حیوان که همان گاو نر یا گوساله است، نشان داده شوند (Golan 2003: 158).

۴. گاو قربانی، نماد مرگ و باززاینده‌گی

مرگ و باززایی مضمون گسترده اسطوره‌ای و مرگ ایزد قربانی‌شده از تصورات بنیادی اسطوره‌ای - دینی است که زایش و حیات دوباره با مرگ ایزد اتفاق می‌افتد. یکی از مهم‌ترین

صورت‌های باززایی و تصور قربانی برای رسیدن به مفهوم حیات مجدد در گاو متجلی شده است. او منشأ باززایی در ذهنیتی است که خدا، انسان و جانوران از یکدیگر متمایز نمی‌شوند. انسان در روند قربانی شدن گاو و زایش از اندام‌های او روند حیات بی‌واسطه را درک می‌کند و سرنوشت خود را می‌بیند. این تصور در بسیاری از نقاشی‌های باقی‌مانده از دوره‌های متفاوت فرهنگی متجلی شده است (Witzel 2012: 121). یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های دینی در عصر آهن را قربانی گاو نر برای بازآیندگی دانسته‌اند که تقریباً در تمام فرهنگ‌های اقوام هندواروپایی مشترک بوده و عمیقاً در ساختار اسطوره‌های آفرینش هندواروپایی حفظ شده است. این اندیشه و تصورات نمادین از باززایی در نقوش اشیا کشف‌شده در کاوش‌های باستان‌شناسی بازتاب یافته‌اند، مانند آثار سرامیک با تزئین جمجمه گاو نر، که مربوط به آغاز دوران نوسنگی تا پایان فرهنگ مینوسی است (Gimbutas, 1993: 143). بن‌مایه سر گاو نر نیز در معبد‌های زیر زمین در ساردینا با نماد بازآیی و بازآفرینی مربوط است. این تصویرها در بالا یا نزدیک ورودی غارها یا حتی خود ورودی غار به شکل سر گاو نر با شاخ‌هایی که بر بالای آن تصویر شده‌اند با تصور زهدان مربوط است. شاخ‌های مقدس یافت‌شده مربوط به هزاره‌های سوم تا دوم پیش از میلاد مسیح، خاص فرهنگ و تمدن مینوسی کرت که در معابد زیر زمین یافت شده‌اند با آیین‌های بازآفرینی مربوط‌اند و آنها را ادامه نمادین زهدان و بازآفرینی دانسته‌اند (Ibid: 246, 431).

بازنمود چنین بن‌مایه‌ای در اسطوره کیش میتراپی هم دیده می‌شود. در این اسطوره بن‌مایه گاو نقش مرکزی و محوری دارد و میترا از دزدی گاو نر گرفته تا قربانی کردنش این نقش مرکزی را نمودار می‌سازد. پس از قربانی شدن گاو است که گیاه از تن او آفریده می‌شود. این نقش محوری گاو در کیش مهری تقریباً در اکثر نگاره‌های تصویری و سنگ‌نگاره‌ها نمایش داده شده است. او با چرخش سر سوراخ‌های بینی گاو را با یک دست محکم می‌گیرد و با دست دیگر چاقو را در پهلوی آن فرو می‌کند و در پی آن از بدن قربانی در حال مرگ علف‌ها و گیاهان شفابخش زاده می‌شوند. از خونس درخت انگور، که نوشیدنی مقدس است، اسرار او را تولید می‌کند (نک: Renshaw 2012: 113; Boyce 1979: 24) مؤلفه‌های نمادین قربانی شدن

گاو و رویش گیاه و آفرینش حیات از اندام‌های او در کیش مهری و در بندهشن نشان می‌دهد که این تفکر در باورها و دین‌های ایرانی رایج و شناخته‌شده بوده است. ویرژیل^۱ در گئورگیکس^۲ یکی از مهم‌ترین داستان‌های کیهان‌آفرینی، نیز باور به زاینده‌گی گاو نر را توصیف کرده است. او در این اثر روایتی از آفرینش زنبور از لاشه و اندام‌های گاو نر را شرح داده است (Habinek 1990: 211). این باور به زایش زنبور از جسد گاو به شکلی در سفر داوران (۱۴: ۸-۱۸) بن‌مایه معمای شمشون نیز قرار گرفته که در آن به انبوه زنبور و عسل در لاشه شیر اشاره می‌کند.

همه این داستان‌های آفرینش سوای تفاوت در برخی اجزا که خود بنیاد منطقه‌ای و اعتقادی دارند، در نقش محوری گاو با هم مشترک‌اند که خود به ساختار فرهنگی مشترکی نزد اقوام هندواروپایی اشاره دارد. مجموعه‌ای نمادین از تصاویر گاو نر، یا نیمه‌گاو نیمه‌انسان، یا حتی به شکل انسان‌انگارانه با شاخ گاو و... چیزی جز همان شکل‌گیری ایماژ اسطوره‌ای در سرآغازهای فرهنگی و استمرار آن به ما نمی‌گوید که همگی با موضوع باروری و آفرینش مرتبط دانسته می‌شده است. همان‌گونه که الیاده اشاره می‌کند گاو قربانی با خشونت برای حیاتی نو کشته می‌شده است.

۵. پیوند گیاه با گاو و ایزدبانو

از سوی دیگر مضمونی نسبتاً گسترده توضیح می‌دهد که ریشه‌های خوراکی و درختان میوه از ایزد یا الوهیتی به وجود آمده که قربانی شده است. از این رو، گیاهان نیز خوراک مقدس هستند، زیرا از جسم یک ایزد یا الوهیت ریشه گرفته‌اند. نمونه مشهور آفرینش گیاه از بدن ایزد قربانی در داستان اسطوره‌ای هاینوله^۳ تأییدی بر این نگرش و اندیشه است، که الیاده آن را با روییدن گیاه از گاو یکتاآفریده مربوط دانسته است. این داستان اسطوره‌ای که یکی از نمونه‌های مشهور آفرینش گیاه از سرام^۴ است در جزایر گینه نو حفظ شده است. از بدن تکه‌تکه و مدفون‌شده دختری نیمه‌ایزدی به نام هاینوله گیاهانی که تا آن زمان ناشناخته بود

1. Virgil

2. Georgics

3. Hainuwele

4. Ceram

مخصوصاً ریشه‌های غده‌ای خوراکی پدیدار می‌شود (الیاده ۱۳۹۴: ۶۷).
تفکر اسطوره‌ای رویدن گیاه از بدن تکه‌تکه‌شده ایزدبانوی بزرگ به قدری ریشه‌دار و گسترده بوده که نمونه آن حتی در اسطوره‌های مادرغله مربوط به امریکای شمالی نیز دیده می‌شود. به باور آریکارایی‌ها غله یا ذرت از اندام مادرغله کُشته‌شده می‌روید. مردم کرسان در شمال غربی نیز اسطوره‌ای دارند که چگونه مادرغله قلبش را در زمین می‌کارد، و می‌گویند که در سینه‌های او غله شیر خواهد شد این مادرغله هم بلعنده است و هم غذادهنده، او زمین است و آنچه را که از مرگ گرفته، به زمین باز می‌گرداند (Leeming 1991: 19, 20).

همان‌طور که اشاره شد، تصور ایزدبانوی بزرگ و ایزدبانوی زمین و پیوند او با گیاه و گاو نر به کرات در تصاویر و آثار باستان‌شناختی دیده می‌شود. در نقش‌های تزیینی پیش از تاریخ، از دوره پیش آریایی تمدن دره سند تصویری از گاو نر که به‌سختی شبیه یک گاو واقعی است با گیاهی که بر صورتش روییده تصویر شده است. در نقاشی‌های بازمانده از غارهای پارینه‌سنگی نیز معمولاً نشانه گیاه در برابر گاو نر تصویر شده است. بررسی و تحلیل این تصاویر نشان می‌دهد که آنها صرفاً گیاه نیستند، زیرا هنرمندان این آثار در فرهنگ مگدانی قادر بودند اشیا را به شکل واقعی در طبیعت تصویر کنند. تنها دلیل به تصویر درآوردن این نشانه‌های نمادین بازتاب اندیشه‌ای است که آنها صرفاً تصویر گیاه نیستند، بلکه نمادی از ایزدبانوی بزرگ در دوره پارینه‌سنگی اولیه هستند. به‌نظر برخی از پژوهشگران اتحاد نمادین گیاه با گاو در این نقاشی‌ها احتمالاً به پیوستگی ایزد و ایزدبانو اشاره دارد (Golan 2003: 369).
مضمون رویدن گیاه از بدن گاو به شکل روشنی در آثار بازمانده از فرهنگ‌های کهن پیش‌هندواروپایی نیز دیده می‌شود. در موکنای مَهری مربوط به ۱۵۰۰ قبل از میلاد به‌دست آمده که تصویری واضح و روشن از رویدن گیاه از بدن گاو را به نمایش گذاشته است (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: گیاهان روئیده از پشت گاوهای نر، همراه با گیاه برآمده از بذر در میان آنها؛ حک شده بر حلقه کریستالی، متعلق به ۱۵۰۰ پیش از میلاد در میسین.

گیاهان در این تصویر از پشت دو گاو نر جوان روئیده، و مابین آن دو گیاهی نیز از درون بذر روی زمین بالیده است. این تصویر نمادی است از نیروی حیات که به شکل دانه روئیده و تصور باززایی گیاه از درون گاو نر را نشان می‌دهد (Gimbutas 1993: 129). یا تصویر نقش شده بر مهری از میسین^۱ که ایزد جوانی در سمت چپ خود درخت زندگی را روئیده در محراب لمس می‌کند (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳: ایزد جوان با درخت و بز همراه با گیاهان روئیده بر پشت او، مهر میسین متعلق به ۱۵۰۰ پیش از میلاد.

پشت او بز شاخ‌داری است که درختی همانند درخت زندگی از پشتش روییده است؛ درست مانند رویدن گیاه از پشت گاو در مَهری که در بالا شرح داده شد. نیز در تصویری که بعدها روی گلدانی (۵۳۰-۵۱۰ پیش از میلاد) از هرکول به همراه گاو کرتی نقش شده (تصویر شماره ۴) و از بدن گاو گیاه روییده است. تصاویری که به یک سنت مستمر اشاره دارد و نشان‌دهنده آن است که اصل حیات مجدد که پیش از این به ایزدبانوی دوجنسی تعلق داشته، بعد کاملاً در حیوان نر و ایزد نر جوان تجلی یافته است (Ibid: 135).



تصویر شماره ۴: نقاشی بر گلدانی یونانی (۵۳۰-۵۱۰ پیش از میلاد)، هرکول در حال کشتن گاو کرتی.

۶. گاو و ایزدبانوی بزرگ دوجنسی

باتوجه به شواهدی که تاکنون ارائه دادیم، می‌توان حضور گاو در روایت آفرینش بندهشن در کنار کیومرث را در ادامه روندی دانست که اشکال آغازین، ایزدبانوی گاوشکل یا ایزد نیمه‌انسان نیمه‌گاو در این روایت به دو موجود مجزای انسان (کیومرث) و گاو یکتاآفریده درآمده‌اند. روندی که در حرکت ایماژ اسطوره‌ای به سمت مفاهیم دینی روندی عقلانی تلقی می‌شود. بااین‌همه در این روایت تمامی ویژگی‌های ایزدبانوی بزرگ در آفرینش گیاه به گاو یکتاآفریده انتقال داده شده است و به‌نوعی در کنار کیومرث می‌تواند جنبه ایزد دوجنسی (نر- ماده) را نیز نمایش دهد. این ویژگی را گیمبوتاس در اروپا نیز نشان می‌دهد: گذشته از آنکه گاو نر در اروپای باستان نماد

قدرت و نرینگی است، همچنین نماد زهدان و منبع حیات و باززایی نیز پنداشته می‌شده است (Gimbutas 1993: 400)، و همانند ایزدبانوی زمین با قدرت باروری است، همه خصلت‌های ایزدبانوی بزرگ مانند خصلت دوجنسی او را نیز داراست. گرچه برخی به دوجنسی بودن کیومرث اشاره کرده‌اند: کیومرث نیز مانند یمیر و پروشه یک بزرگ‌انسان آغازین دوجنسی است (الیاده ۱۳۹۴: ۳۴۳)، اما ما در این مقاله این دوجنسی را در گاو و کیومرث و نه فقط در کیومرث بازشناسایی کردیم.

زمانی همه چیز در ایزدبانوی بزرگ مادر تجلی می‌کرده و او برای مدت طولانی تجسم صورت نرینه و مادینه بوده است (Gimbutas 1993: 74). الیاده یکی از ویژگی‌های مشخصه الوهیت‌های ازلی آغازین را دوجنسی بودن آنها دانسته مانند تیامات، زروان. دوجنسی بودن خدایان یکی از شیوه‌های بیان متعدد برای تمامیت یا وحدتی است که با پیوند و اتحاد زوج‌های متضاد نر - ماده مشخص می‌شود (الیاده ۱۳۹۴: ۷۶). دوجنسی بودن، نرینگی و مادگی منبع آغازین که در تمام سطوح و مراتب آفرینش بازتاب داشته تا به امروز که آشکارا به‌عنوان دو نیمه روح مذکر و مؤنث نر و ماده منبع ازلی در هر جایگاه بلندمرتبه‌ای از خلقت منعکس است تا آنجا که در خود (ego) خودمان در دو نیمه روح زنانگی و مردانگی آشکار و پدیدار می‌شود (Gimbutas 1993: 629). این بن‌مایه نرینگی و مادگی به بهترین نحو در روایت آفرینش میترا در خود گاو متجلی است. با آفرینش این جانور که به‌نوعی انسان یا ایزد دوجنسی آغازین هم هست، آفرینش شکل می‌گیرد. زیرا نیروی گاو ماده به‌طور ضمنی در خون گاو نر شکل گرفته و با ماه پالایش شده است (Walker 2007: 125). در ریگ‌ودا به اسطوره گاو برتر دوجنسی اشاره شده که جهان را آفریده است (Witzel 2012: 122). این ویژگی دوجنسی گاوهای اسطوره‌ای در اوستا نیز مطرح شده است. در یسن ۲۹ به روان گاو گئوش‌اورون (Gəuš Urvan) دربرگیرنده گاو نر و ماده (گاو ازی) اشاره شده است. او موجودی آسمانی، نماینده چارپایان زمینی، و وجود نخستینی که روزگاری در آغاز از سوی یک خدای ویژه‌ای به نام گئوتشن «آفریننده گاو» پدید آمده است. یکی از چیزهایی که به یاری‌دهندگان زردشت پاداش می‌دهند گاو ازی است، که به گمان نیبرگ در یسن ۴۶ بند ۱۹ به معنی «گاو آبستن» و «گاو

نر) است. به نظر نیبرگ بی‌تردید در یسن ۲۹ (یسن گاو) روان گاو گئوش اورون که دربرگیرنده گاو نر و ماده (گاو ازی) است یک موجود آسمانی است^۱ (نیبرگ ۱۳۸۲: ۲۰۶).

باتوجه به این شواهد شاید بتوان گفت که گاو در این تصویر می‌تواند جانشین ایزدبانوی بزرگ باشد. به عبارتی گاو روایت بندهشن به همراه کیومرث باز نمود این جنبه دوجنسیتی ایزد یا ایزدبانوی آفریننده در آفرینش جهان‌اند. بدن موجود یا غول آغازین نرینه تنها از راه نطفه امکان خلق و آفرینش را دارد که نمونه روشن آن کیومرث در داستان بندهشن است. بعد از حمله اهریمن نطفه کیومرث به زمین ریخته شد و چهل سال بعد گیاه ریواسی که از آن روید به نخستین انسان زن و مرد، مشی و مشیانه، تبدیل شد. این موتیف در دیگر داستان‌های اروپایی قرون وسطی در میان فرانسوی‌ها، ژرمن‌ها و انگلیسی‌ها با درخت زندگی مربوط است^۲، که مضمون اصلی آن تجسم بازآفرینی درخت از بدن نرینه انسان از طریق نطفه است. از این رو، در واقع شاید بتوان گفت که کیومرث تجلی باروری مردانه و گاو در مقام ایزدبانو نماد و تجلی آفرینش مادگی است.

این ویژگی نری و مادگی، زمین و آسمان نماد زن و مرد در دیگر اسطوره‌های آفرینش که با داستان بندهشن مقایسه شده‌اند از این دیدگاه نیز تفسیر شده است. برای نمونه پوروشه آن نیروی خلاق و آفریننده زنانه، ویراج^۳ را به وجود می‌آورد و سپس از ویراج متولد می‌شود. در ریگ‌ودا یمه کشنده مانو است و مانو به‌عنوان کشنده و قطعه‌قطعه‌کننده همسرش منوی^۴ به هیئت گاو ظاهر و ثبت شده است و با آنکه یمیر به معنی «دوقلو» است ولی او تنها با برادر دیگرش همراه نیست بلکه آنها را اودملا گاو ماده‌ای نیز همراهی می‌کند، که از یخ به پیدایی درآمده و چهار رود

۱. البته هومباخ جنسیت این گاو را ماده دانسته و نوشته، که جنسیت *gāuš* در *gāuš-uruuan* «روح گاو ماده» است، و عبارت *mā uruā gāušcā aziā* را «روح (زردشت) من و (آن) گاو ماده بارور» ترجمه کرده است (Humbach 1991: 2/31).

۲. این موتیف در روایت‌های گوناگون مربوط به درخت زندگی دیده می‌شود. یکی از نمونه‌های آن مربوط به آدم است. هنگامی که آدم در حال مرگ بوده فرزند او شیث برای گرفتن سه تخمه از درخت زندگی برای پدرش به باغ عدن می‌رود. اما وقتی برمی‌گردد پدرش درگذشته است. شیث تخم‌ها را در دهان پدرش می‌گذارد و او را با این تخم‌ها به خاک می‌سپارد. مدتی بعد این تخمه‌ها به درخت تبدیل می‌شوند. در واقع از بدن مرده و نابارور که تخم گیاه درون آن بوده حیات به شکل درخت به پیدایی می‌آید؛ یعنی نمادی از آفرینش از بدن نرینه (Linke 1992: 598).

3. Virāj

4. Manavi

شیر را شکل داده که می‌میر از آنها می‌نوشد و می‌میر را نوه‌های او ذملاً تکه‌تکه می‌کنند: ادین و ویلی و وه^۱ مانو دیگر اثری نیست، و گاو و مرد یک جفت را تشکیل می‌دهند^۲ (Grigsby 2018: 62).

۷. نتیجه‌گیری

باور به مرگ و حیات مجدد از بدن قربانی در میان اقوام هندواروپایی و غیرهندواروپایی باوری بسیار قوی بوده که باز نمود آن در داستان‌های اسطوره‌ای آفرینش به صورت‌های گوناگون بازتاب یافته است. بشر در روند جوانه زدن، رشد و پژمردن گیاهان روند حیات خود را درک می‌کند. جهان عینی برای او زمانی قابل درک است که از اجزای بدن انسان یا موجود نخستین یا موجود مافوق انسانی ساخته شود. او این‌گونه به پرسش‌های منشأها پاسخ می‌دهد. در اندیشه او با قطعه‌قطعه شدن موجود اولیه یا ایزد، وجود الهی متکثر شده و به شکل جهان و آدمیان درآمده است.

در این شکل از اندیشه یک ماده ملموس منحصر به فرد مانند اندام گاو می‌تواند به ماده ملموس منحصر به فرد دیگری چون گیاه تبدیل شود. یعنی اندیشه‌ای که در آن استنباط از زایش و پیدایش تبدیل محض است. تبیین‌های اسطوره‌ای که شرح می‌دهند چگونه پدیده‌های جهان شکل گرفته‌اند. داستان‌های اسطوره‌ای آفرینش که موضوع منشأها را مطرح می‌کند، و به سبب تسلط ذهنیت نمادپرداز هر چیزی می‌تواند از هر چیزی ناشی شود و رویدادی منحصر به فرد را ثبت کند. انسان با این ذهنیت برای همه چیز جوهریت مادی قائل می‌شود و نسبت‌های پیچیده انتزاعی به همین شیوه تبیین می‌شوند.^۳

باتوجه به داده‌های بالا تصویر بندهشن از مرگ گاو و رویش گیاه از بدن می‌تواند بیان همانندی او با ایزدبانوی بزرگ یا ایزدبانوی زمین و باروری باشد. تجلی آفرینندگی زنانه در کنار تجلی آفرینش مردانه کیومرث است که همان‌گونه که اشاره شد به شکل روشن در دیگر اسطوره‌های آفرینش مانند پوروشه دیده نمی‌شود.

1. Vili and Vé

۲. اسطوره هندواروپایی دیگری که اتحادی از یک مرد و گاو را تشکیل می‌دهد زنوس و اروپا یا پسفایا (Pasiphae) و گاو نر پوزیدون (Poseidon) در سنت یونانی است (Grigsby 2018: 59).

۳. در این باره، نک: کاسیرر ۱۳۷۸: ۱۰۰-۱۰۳.

منابع

- الیاده، میرچا، ۱۳۹۴، تاریخ اندیشه‌های دینی، جلد اول: از عصر حجر تا آیین اسرار النوسی، ترجمه مانی صالحی، تهران.
- بهار، مهرداد [مترجم]، ۱۳۸۵، بندهش، تهران.
- کاسیرر، ارنست، ۱۳۷۸، فلسفه صورت‌های سمبلیک، جلد دوم: اندیشه اسطوره‌ای، ترجمه یدالله موقن، تهران.
- نیبرگ، ساموئل، ۱۳۸۲، دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، کرمان.
- Bartholomae, Ch., 1961, *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.
- Boyce, M., 1979, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices*, London.
- Golan, A., 2003, *Myth and Symbol* (Symbolism in Prehistoric Religion), Jerusalem.
- Gimbutas, M., 1982, *The Goddess and Gods of Old Europe*, Berkeley.
- , 1993, *The Myth of the Goddess*, Arkana.
- Golan, A., 2003, *Myth and Symbol* (Symbolism in Prehistoric Religions), Jerusalem.
- Grigsby, J., 2018, *Skyscapes, Landscapes, and the Drama of Proto-Indo-European Myth*, PhD Dissertation, Bournemouth University.
- Habinek, T. N., 1990, "Sacrifice, Society, and Vergil's Ox-born Bees", *Cabinet of the Muses: Essays on Classical and Comparative Literature in Honor of Thomas G. Rosenmeyer*, ed. M. Griffith and D. J. Mastrorade, Atlanta, pp. 209-223.
- Hasting, J., 1908-1927, *Encyclopedia of Religions and Ethics*, 13 Vols., Edinburg.
- Humbach, H., 1991, *The Gāthās of Zarathustra and the Other Old Avestan Texts*, vol. 2, Heidelberg.
- Leeming, D. A., 1991, *Creation of Myths of the World: An Encyclopedia*, Second Edition.
- Lincoln, B., 1975, "The Indo-European Myth of Creation", *History of Religions*, vol. 15, n. 2, pp. 121-145.
- , 1991, *Death, War, and Sacrifice: Studies in Ideology and Practice*, Chicago.
- Lindow, J. 2001, *Norse Mythology: A Guide to the Gods, Heroes, Rituals, and Beliefs*, Oxford.
- Linke, U., 1992, "Manhood Femaleness, and Power: A Cultural Analysis of Prehistoric Images of Reproduction", *Comparative Studies in Society and History*, vol. 34, n. 4, pp. 579-620.
- Renshaw, J., 2012, *In Search of the Romans*, London.
- Stone, M., 1976, *When God Was Woman*, New York.
- Walker, B., 2007, *The Woman's Encyclopedia of Myths and Secrets*, San Francisco.
- Waterman, L., 1915, "Bull-Worship in Israel", *The American Journal of Semitic Languages and Literature*, vol. 31, n. 4, pp. 229-255.

Witzel, M., 2012, *The Origins of the World's Mythology*, Oxford.